



## خودزندگی غیراز شرایط زندگی است



آیا زندگی یعنی نفس کشیدن و هوا را فرو بردن و بیرون دادن؟ نه، این معنی زندگی نیست. اینها برای ما شرایط زندگی است، نه خودزندگی. خود

زندگی بینایی (به معنی دانایی) و توانایی است. ما از آن جهت به خدا حی مطلق می‌گوییم که دانا و توانای مطلق است و از آن جهت به خداوند تبارک و تعالی حی می‌گوییم که آثار حیات بر وجود مقدس او بار می‌شود. رأفت و رحمت است، رحیم و رحمان است.

پس زندگی یعنی دانایی و توانایی و برنامه اسلام برنامه دانایی و توانایی است، همان برنامه‌ای که قرن‌ها اسلام آن را در عمل پیاده کرد.

پس آن طرز تفکری که نتیجه‌اش دانایی یا توانایی نباشد و نیز طرز تفکری که نتیجه‌اش سکون و عدم تحرک و بی‌خبری و بی‌اطلاعی باشد، از اسلام نیست. اسلام دین حیات است. دین حیات با بی‌خبری و با ناتوانی و عجز ناسازگار است.

شما همین را می‌توانید به عنوان یک مقیاس کلی برای شناخت اسلام همیشه در دست داشته باشید. در جلسه پیش یکی از عناصر حیات در تفکر اسلامی یعنی مسأله عمل را برای‌تان عرض کردم.

اسلام کوشش و سعی بلیغ دارد که در تعلیمات خود سرنوشت انسان را وابسته به عمل او معرفی کند، یعنی انسان را متکی به اراده خودش کند. اسلام می‌گوید ای انسان! سعادت تو به عمل تو بستگی دارد، شقاوت تو هم به عمل تو بستگی دارد. آیا عمل انسان به چه چیز بستگی دارد؟

به خواست و اراده خود انسان. در نتیجه انسان یک موجود متکی به خود و متکی به کردار و شخصیت خود می‌شود. آیا فکر می‌کنید این مسأله شوخی است که به بشر بگویند: وَ اَنْ لِّیْسَ لِلْاِنْسَانِ اِلَّا مَا سَعٰی [۱]. و از این صریح‌تر دیگر نمی‌شود.

برای انسان جز آنچه با سعی و کوشش و عمل به دست آورده چیزی نیست. با یک حصر عجیبی می‌گوید. این خودش عامل تحرک است، عامل بیداری، بینایی و توانایی است. برگرفته از کتاب احیای تفکر اسلامی، استاد شهید مرتضی مطهری

ویرترین

## کتابی برای پاسخگویی به شبهات حجاب

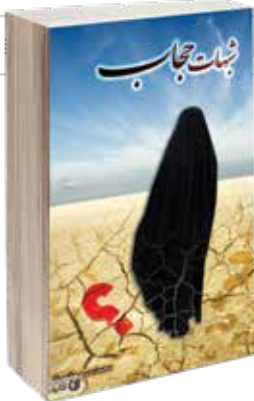
امیرعلوی

خبرنگار چار دیواری

حجاب به عنوان یکی از احکام ضروری دین مبین اسلام، همیشه مورد هجوم شبهات دشمنان بوده‌است. زیرا حجاب و پوشش اسلامی به واقع، عیار سنجش میزان تدین مردم یک جامعه به شمار می‌آید و هر چه التزام عملی زنان به حجاب بیشتر باشد، بیانگر عفاف و خویشتنداری بیشتر آنها و نیز بیانگر غیرت و دغدغه‌مندی بیشتر مردان آن جامعه‌است.

از این رو دشمنان اسلام با القای شبهات، به دنبال آن هستند تا ضرورت، فواید و کارآمدی حجاب را در ذهن زنان و مردان زیر سؤال ببرند تا بتوانند در التزام عملی آنها به حجاب اسلامی خلل وارد کنند. لذا بسیار حائز اهمیت است که ضمن تبیین درست مسأله حجاب و ضرورت‌های آن، به پاسخگویی شبهات نیز پرداخته شود. شبهه، سخن باطلی است که خود را شبیه حق می‌نمایاند و شناخت حق از باطل را دشوار و فرد را در گرداب شک و تردید گرفتار می‌کند. شبهه، آفتی است که ریشه باورها و اعتقادات را می‌خشکاند. پس ضروری است هرگاه شبهه‌ای برایمان حاصل شد، سریعاً دریافتن پاسخ آن بکوشیم و خود را از چنگ این آفت‌رها کنیم. در این کتاب به برخی شبهات پیرامون موضوع حجاب، با رویکردی برون دینی و عقلانی پرداخته شده‌است.

کتاب



در بسیاری از نوشته‌های مربوط به شبهات حجاب، پاسخ‌های درون دینی داده شده و حال آن‌که رویکرد اصلی بسیاری از شبهات، برون دینی و با تحلیل عقلانی و اجتماعی است؛ لذا اگر چه اساس مسأله حجاب، بر تعبد و تسلیم بودن در برابر خداوند استوار است اما پاسخ‌های عقلانی و با رویکرد برون دینی را نیز می‌طلبد. از این رو در این نوشتار تلاش شده‌است پاسخ‌های برون دینی و عقلانی نسبت به شبهات ارائه شود. کتاب شبهات حجاب نوشته محمدحسین ملامیرزایی، به شبهات مهم و مطرح در سطح جامعه با نگاهی جامع و رویکردی برون دینی، عقلانی و کاملاً دقیق و منطقی، بدون حواشی و اضافات، با ادبیاتی روان و جوان‌پسند می‌پردازد. در بخشی از این کتاب می‌خوانیم: اول: زنان، از لحاظ ظاهری با هم

تفاوت‌های زیادی دارند. اگر قرار باشد در قانون حجاب، میزان پوشش، متناسب با هر فرد در نظر گرفته شود، لازمه‌اش آن است که به تعداد تک تک زنان، قانونی مستقل برای کیفیت پوشش وجود داشته باشد که چنین چیزی نه شدنی است و نه مفید. زیرا تعدد قوانین و سختی تطبیق وضعیت هر فرد با قوانین، موجب سختی در تشخیص و عسر و حرج مکلفین شده و راهی برای ولنگاری قانون‌گیزان نیز فراهم می‌شود. زیرا اثبات آن که او برخلاف قانون متناسب خودش رفتار می‌کند، کاری سخت و دشوار است و باید نهادی تأسیس شود تا به تعیین قانون هر فرد بپردازد که هم از لحاظ عقلایی و هم از لحاظ اجرایی مقدور و عملی نیست.

بنابراین قانون باید به صورت یک دستور کلی باشد تا بتواند غرض مورد نظر از وضع قانون را در تمامی افراد چه زیبا، چه نازیبا تأمین کند. قانون حجاب، بر پوشش تمامی بدن زن تعلق گرفته و رخصت در صورت و دودست با وجود زیبا بودن آنها، از باب دفع عسر و حرج برای زنان در تعاملات اجتماعی است و از سوی دیگر به عفاف رفتاری زنان و عفاف بینایی مردان نیز مأمور شده‌است. دوم: زیبایی و جذابیت امری نسبی و سلیقه‌ای است. ممکن است زنی ولو به ظاهر ساده و بدون برانزنگی‌های خاص، برای فردی، ایده‌آل و مطلوب باشد و همان زن برای دیگری هیچ جاذبه‌ای نداشته باشد. لذا

صرف نداشتن جذابیت نزد گروهی، نمی‌توان گفت او هیچ خواستاری ندارد و موجب التذاذ و التهاب غریزی گروه دیگری نمی‌شود. شاهد بر این مدعا آن است که بسیاری از همین‌هایی که می‌گویند زیبایی خاصی ندارند، خواستگاری می‌شوند، ازدواج می‌کنند.

داستانک

## سرانجام یک تضاد درونی

تمام عیار زیبایی بودند، نزدیک شده‌است. گاهی راضی بود و گاهی ناراضی! وقتی به خیابان می‌رفت امانگاه‌ها و رفتارهای برخی از عابران برایش آزاردهنده بود. او به خاطر دل خودش، دوست داشت آرایش‌ش کند و زیبا باشد؛ به خاطر دل خودش دلش می‌خواست لباس‌های جذاب و رنگارنگ بپوشد و درست است از جذب توجه و تحسین دیگران هم لذت می‌برد اما نگاه‌های بی‌ملاحظه برخی افراد معذبش می‌کرد و دلش می‌خواست خودش را از این نگاه‌ها بیپوشاند.

در میان این دوگانه و این تضاد درونی خودش گیر کرده بود. دو راهی سختی که باید یک راه را انتخاب می‌کرد. دستش را بالا برد، روسری‌اش را جلو کشید و با پشت دست رژ لیش را پاک کرد. حالا احساس بهتری داشت. انگار توانسته بود از مهلکه نگاه‌های آزاردهنده و متلک‌پرانی‌ها فرار کند.

دلش می‌خواست مورد توجه باشد و دیگران همیشه درباره زیبایی‌هایش صحبت و با نگاه و رفتارشان او را تحسین کنند.

وقتی صفحات اینستاگرام را بالا و پایین می‌کرد با چهره‌هایی مواجه می‌شد که انگار خیلی بی‌عیب و نقص بودند و در ذهنش زیبایی فقط و فقط شباهت به این افراد و چهره‌ها داشت. به همین خاطر هم صبح که از خواب بیدار می‌شد، جلوی آینه می‌رفت و با انواع ترنندها و لوازم آرایش، سعی می‌کرد شبیه به یکی از آنها شود. وقتی کارش تمام می‌شد، خودش را برانداز می‌کرد تا ببیند چقدر به آدم‌هایی که از نگاه او تمثیل



## لزوم حجاب در جامعه

دکتر مجید ابهری

عضو هیات  
علمی دانشگاه  
شهید بهشتی

پوشیده بودن انسان به‌ویژه زنان فقط از نظر دینی و معنوی ضرورت نداشته، بلکه از جهات مختلف دیگر مثل حفظ حریم اخلاق رعایت مرزهای معنوی؛ حفظ چارچوب‌های نظری و معنوی و نیز رعایت حجاب تأثیرات قابل توجهی دارد. در دین مبین اسلام حجاب نماد اخلاق و مرز جداسازی زنان از مردان در جامعه است.

این تفکیک ممکن است به‌نظر برخی از افراد ظاهربین غیرضروری و دشوار باشد اما از نگاه رفتارشناسی اجتماعی؛ رعایت حریم جنسی نه تنها موجب دشواری و آزار نیست، بلکه حریم امنی برای بانوان در جهت حفاظت از نگاه‌های آزاردهنده محسوب می‌گردد. چندی پیش پلیس و شهرداری توکیو در ژاپن برای رفاه و آرامش بانوان اقدام به جداسازی واگن‌های متروی شهری نمودند که این حرکت با استقبال و رضایت بانوان مواجه گردیده است. امنیت فکری و رفاه اجتماعی، دو محور از محاسن رعایت حجاب هستند. کسانی که به‌تأیید «من هم» پیوسته و بر علیه حجاب حرکت کرده‌اند. باید عرض کنم جناح گسترده‌ای از این حرکت که مخالف حجاب و مدافع بی‌حجابی است را منافقین تشکیل می‌دهند. رهبر و اعضای این جبهه علی‌رغم مخالفت این گروه با باورهای دینی، صرفاً به خاطر مخالفت با ارزش‌های اسلامی و انقلابی، حجاب را شدیداً مورد مخالفت قرار می‌دهند.

این گروه خائن و عصیانگر با باورهای اصیل اسلامی و تشیع علوی، ظاهر خود را مقید به ارزش‌های اسلامی و دینی قلمداد کرده و ظاهر خود را معتقد به باورهای دینی نشان داده اما در باطن هیچ‌گونه اعتقاد و پایبندی به ارزش‌های حیات‌ساز شیعی ندارند. نوجوانان و جوانان دهه ۷۰ و ۸۰ که بارشده و سابقه آنها اشنایی ندارند، سوابق آنها را از بزرگ‌ترها و والدین خود جویا شوند. قتل فجیع زنان باردار با طفل در شکم‌شان به جرم باورهای شوهرشان؛ بریدن سر یک پاسدار کمیته به وسیله موزاییک به خاطر حضور در جلسه دعای کمیل و امثال این‌گونه فجایع دلخراش. اهالی خیابان مرتضوی و رودکی به خوبی به یاد دارند یک خیاط متدین را فقط به خاطر ظواهر اسلامی در مغازه‌اش به خاک و خون کشیدند و پسر چهارساله‌اش را که از وحشت فریاد می‌کشید و گریه می‌کرده با دو گلوله به شهادت رسانده و ماشین پلاستیکی این کودک بی‌گناه درخونش غوطه‌ور

مانده بود. از جهتی اگر این طفل زنده می‌ماند تا پایان حیات همیشه این شهادت به شکل یک کابوس هراسناک در ذهنش می‌ماند.

واقعاً عبارت منافق از نظر رفتارشناسی برانزنده آنهاست. در ظاهر حجاب‌شان محکم‌تر از همه بود و در حقیقت زنان و دختران را وادار به ترک حجاب می‌کردند که این هم چهره دیگری از نفاق رفتاری آنهاست. دختران و بانوان مومن ما بدون توجه به شعارهای پوچ این منافقان به راه ورسم آنها بی‌اعتنا بوده و به راه روشن و مترقی فاطمی ادامه می‌دهند.